

از نمایشنامه تا داستان

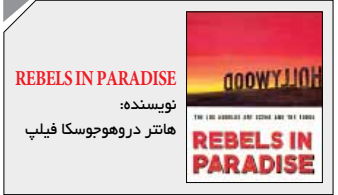
بهزاد عبّدى

■ در هفته گذشته این ستون توانست نظرات اهالی نشر و مسئولان وزارت ارشاد را به خود جلب کند. در این هفته نیز به سباق گذشته به سراغ ناشران دیگری رفته‌ایم که کتاب‌هایشان روی میز ارشاد منتظر مجوز مانده است. اولین ناشر، نشر آمه به مدیریت سعید اردهالی است که نزدیک به یک سال پیش کتاب «به من دروغ نگو» نوشته جان پیل جر و با ترجمه مهرداد شهایی را به وزارت ارشاد سپرده اما هنوز از سوی ارشاد اجازه چاپ نگرفته است و هیچ خبر قطعی‌ای دال بر رد یا تایید آن داده نشده. کتاب «مایشتنامه نویسان ایران» تألیف منصور خلیج نیز بیش از یک سال است که از سوی همین ناشر به وزارت ارشاد سپرده شده و هنوز در گرفتن مجوز به توقیف نرسیده است.

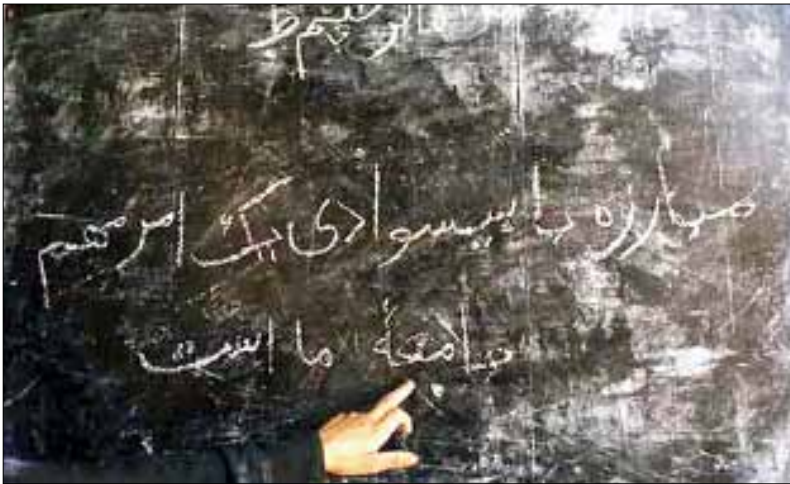
«در ستایش شرم» عنوان کتاب «حسن قاضی مرادی» است که این بار هم قرار بود توسط نشر «آمه» روانه بازار شود که آن نیز بعد از گذشت یک سال همانند دیگر کتاب‌های ذکر شده دچار تعلیق است. نزدیک به یک سال پیش جلد سوم کتاب «کارل مارکس زندگی و دیدگاه او» به تألیف مرتضی محیط به چاپ رسید. این در حالی است که جلد اول و دوم کتاب هنوز در وزارت فرهنگ و ارشاد است و سرنوشتی نظیر دیگر کتاب‌های ذکر شده نشر «آمه» دارد. کتاب «خبر بد» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه از نویسندگان معاصر جهان است. در این مجموعه، داستان‌هایی از «ورهان پاموک»، «سالمتر موام»، «استیفن کینگ»، «شرمن الکسی»، «مارگارت اتوود» و... توسط مجتبی ویسی جمع‌آوری و ترجمه شده‌اند. این مجموعه قرار بود توسط نشر افکار به چاپ برسد. بعد از گذشت یک سال از ارسال آن به وزارت ارشاد نسخه کتاب با چند اصلاحیه برگشت که شامل حذف شدن دو داستان و چند سطر از داستان‌های دیگر بود. در این اصلاحیه کل داستان «ورهان پاموک» و «سالمتر موام» حذف شده بود. با این وجود که نشر افکار اقدام به انجام اصلاحیه‌های مربوط کرد و کتاب را مطابق اصلاحیه‌ای که خورده بود، برای بازبینی نهایی مجدداً به وزارت ارشاد فرستاد اما تاکنون هیچ خبری از مجوز نیست. نشر ثالث سال گذشته رمان «در جمع زنان» نوشته «چزاره پاولزه» با ترجمه مجتبی ویسی را به وزارت ارشاد داد و بعد از اخذ مجوزش آماده پیگیری و چاپ شد. بعد از ارسال طرح جلد کتاب مسوولان وزارت ارشاد خواستار آن شدند تا کتاب را دوباره بازبینی کنند و این بار این رمان با وجود اینکه قبلاً مجوزش را گرفته بود، چند نمونه اصلاحیه خورده و بعد از آن هنوز هیچ خبری از صدور مجوز برای این کتاب نیامده است. «خ‌ت‌های جنگ» عنوان کتابی نوشته شرمن الکسی نویسنده سرخ پوست آمریکایی است، با ترجمه مجتبی ویسی. این کتاب مجموعه‌ای از شعر و داستان کوتاه و مصاحبه است و به گفته مترجم کتابی است با ساختاری کاملاً متعارف از دیگر کتاب‌هایی که او به فارسی برگزیده است. ویسی می‌گوید این کتاب یک سال و دو ماه پیش از سوی انتشارات مروارید به وزارت ارشاد سپرده شده اما هنوز خبری از اجازه چاپ نیست.

آن سوی آب

شورشیان در بهشت



■ کتاب «شورشیان در بهشت» به نویسندگی هانتر دروهوجوسکا فیلیپ جزو یکی از کتاب‌های برگزیده ماه آگوست سایت «نیویورک تایمز» است. هانتر، نویسنده این کتاب، یک روزنامه‌نگار و منتقد هنری و متخصص در موضوعات هنر، طراحی و معماری است. جدیدترین کتاب او، «شورشیان در بهشت» صحنه هنری لس‌آنجلس در دهه ۱۹۶۰ را روایت می‌کند. این کتاب به روایت داستانی از سال ۱۹۵۵ می‌پردازد. یعنی زمانی که شهر لس‌آنجلس به سرعت پله‌های ترقی و پیشرفت را طی می‌کند و این پیشرفت را مدیون فیلم‌ها و صنعت هوافضایش است، اما از سویی دیگر در مرداب فرهنگی خود گرفتار شده است. تعداد هنرمندان وطنی بسیار زیاد است و از طرف دیگر هیچ موزه مدرنی وجود ندارد و تعداد کارهای‌ها کم است. در این میان چند شخصیت محوری، داستان را به جلو می‌برند. یکی از شخصیت‌ها، فردی به نام والتر هوپز است که کالج را ترک کرده و به هنر معتاد است. دیگری به نام ادوارد کینهپولز پسر یک هنرمند مزرعه‌دار با خلق و خوی تند است. هر دو شخصیت داستان بار بعضی افعال انجام برخی اقدامات هنری روانه شهر می‌شوند تا اینکه در سال ۱۹۵۷ تمامی توان مالی‌شان را جمع می‌کنند که در شهر یک گالری بر پا کنند. در ابتدا کار این گالری چندان وسعتی نداشت اما سپس این گالری بر دامنه وسعت خود افزود. بعد از گسترش گالری، هوپز یکی از شخصیت‌های محوری داستان به این نتیجه می‌رسد که برای این کار ساخته شده است و نمی‌داند که باید چه کار کند. در اینجاى داستان است که شخص سومى وارد این داستان می‌شود. ابروینگ بلوم بازیگر سابق نیویورک سهام کینهپولز را می‌خرد و مدیر گالری می‌شود و... این سه نفر شخصیت‌های اصلی داستان هانتر هستند.



این زبان قیمة غیمه



علیرضا روشن

یا «سپارش» را که فارسی سفارش است درست نمی‌نویسند بلکه عربی را ترجیح می‌دهد و می‌نویسد: سفارش! اگر یکی بپرسد سفارش یعنی چه به سختی می‌شود جواب داد اما اگر بنویسی سپارش و همین سوال را مطرح کنند، می‌گوین: از سپردن می‌آید یعنی سپردن یک چیزی به یک کسی. مثل سپارش نوشتن یادداشتی درباره مشروطه مقننه به فلان نویسنده. آذر تاش از نوشتن کتاب مهمی به نام «چالش میان فارسی و عربی» می‌نویسد اما کسی به ریش نمی‌گیرد و همچنان به خیال پالایش زبان فارسی از ناخالصی‌های عربی جوزه می‌نویسند و دستور کار صادر می‌کنند. آقای کاخی سرورپرستار انتشارات امیرکبیر است اما امثال و حکم دهخدا هنوز به رسم‌الخط دهه اول ۱۳۰۰ منتشر می‌شود. «آب به آبادانی می‌رود» را «آب آبادانی می‌رود» چاپ می‌کنند. «آب به آب می‌خورد زور برمی‌دارد» را «آب باب می‌خورد زور بر می‌دارد» چاپ می‌کنند.

خود مرحوم علامه – نقل به مضمون – می‌گوید: «دبیات فرانسه را گشتم اما جز ۱۳ معادل برای امثال نیافتم. به فرهنگستان فرانسه هم که نامه نوشتم همین ۱۳ را اسم بردند. بنابراین از نوشتن مقدمه برای امثال و حکم منصرف شدم و خود کتاب را پیش رو می‌گذارم» اما بر کتاب او پس از مرگش مقدمه نوشته شد. دهخدا در مصاحبه‌ای گفت: «گاهی به یک لغت، چهارصد معنی مترتب شده است» اما چهارصد ویراستار، اصرار بر یک معنی از این چهارصد معنی می‌کنند.

دهخدا را رها کرده‌اند در انبار تاریخ بو بگیرد بعد می‌گویند جمال‌زاده محاوره‌نویسی را به فارسی آورد. البته جمال‌زاده کودک بود که دهخدا محاوره‌نویسی و دیکته شکسته را در «چرند و پرند» باب کرد. صادق هدایت را می‌گویند محاوره‌نویسی را گسترش داد اما چوبک بسیار بسیار محاوره‌نویس‌تر بود. این همه قصه و افسانه به محاوره گفته شد و کسی التفات نکرد. این اندازه شعر نو قبل از نیا در روستاهای این مملکت گفته شده‌ا گفتند نیا شعر را از قیود شعر کلاسیک رها کرد.

در خانه اگر کس است یک حرف بس است. اما بستگی به کس هم دارد.

هر ناکسی را نمی‌شود کس جا زد. کرسی‌های

فرهنگستان زبان فارسی را چه کسانی اشغال کرده‌اند؟ چرا برای آموزش و پرورش پچه‌های اول ابتدایی چارهای اندیشیده نمی‌شود که اگر یک دستور را بکطور یاد گرفتند بیرون از مدرسه یا رسم‌الخط و انشای متشکست و پهلما نشوند؟

زبان آلوده فارسی کاری به سر ادبیات آورده است که کسی حرفت را نمی‌خواند بلکه نگاه می‌کنند

و مضارعت به فعل چسبیده یا جدا نوشته

ببیند «می» مضارعت به فعل چسبیده یا جدا نوشته شده است یا «رای» نشانه مفعول را بعد از فعل آورده‌ای

یا بعد از مفعول

ببیند «می» مضارعت به فعل چسبیده یا جدا نوشته شده است یا «رای» نشانه مفعول را بعد از فعل آورده‌ای یا بعد از مفعول

و رساله می‌نویسد در درست‌نویسی و غلط‌نویسی که رسم‌الخط این دستگاه انتشاراتی این است و فلان است. ویراستار ناشری دیگر می‌گوید جای همه‌ی پای بدل از همه‌ی بگذاریم و او هم رساله‌ای دیگر می‌نویسد که رسم‌الخط من فلان است و پهلما است.

ویراستاری می‌گوید کلمه عربی به کار نبرید و فارسی بنویسید و نمی‌داند بسیاری از کلماتی که فکر می‌کند عربی است، عربی نیست بلکه فارسی است.

می‌گوید: «آن» جمع را برای واژه‌ی فارسی به کار نبرید اما فکر را که فارسی است بر وزن عربی صرف می‌کنند

نمی‌نویسد، «فلوک» و فارسی آن را که «فل‌کزد» است

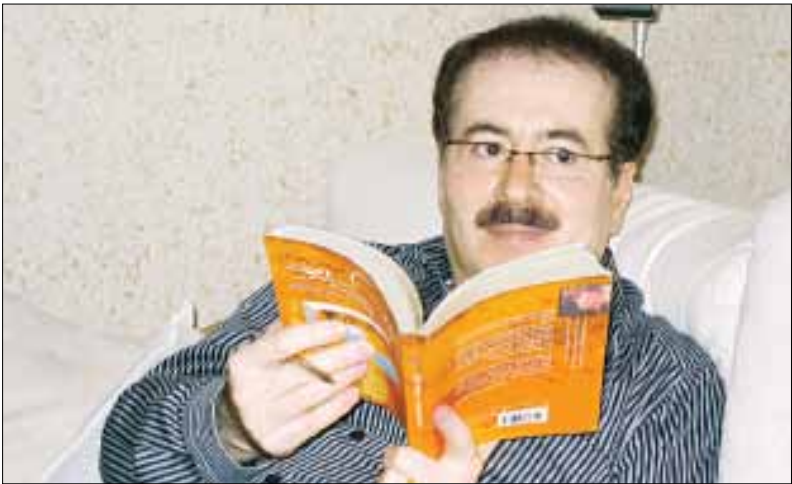
نمی‌نویسد

در هفته‌ای که گذشت روی پیشخوان کتابفروشی‌ها کتاب مهمی به مخاطبان معرفی می‌شد که نشر نیلوفر آن را به چاپ رسانده بود. کتابی که خواندن آن به همه ویراستاران و همه آنهایی که به شکلی نا نوشتن و نگارش ارتباطی دارند، توصیه می‌شود. «جشن نامه ابوالحسن نجفی» عنوان این کتاب است.

با گفتن نام نجفی دیگر توضیحی برای چگونگی کتاب باقی نمی‌ماند. گردآوری و تألیف این کتاب به کوشش امید طبیب‌زاده انجام شده است. علاوه بر این، اخیراً نشر مروارید در حوزه ادبیات وحشت کتاب جدید به چاپ رسانده است. عنوان کتاب «مرگ رموز در کلیسا» است. این رمان نوشته ژرژ سیمون و ترجمه دکتر آریتا لسانی است. نشر مروارید در همین حوزه یعنی ژانر رمان پلیسی کتاب دیگری با عنوان «خطره‌ای از کریسمس» ارائه کرده است. این رمان را توماس کاپوتی تألیف کرده با ترجمه

مهدی فاتحی. «پرونده پیتز» رمان دیگری از همین حوزه است، به تألیف مارجریتی الینگهام و با ترجمه رامین آذرپرهام. کتاب «فلسفه و آینه طبیعت» نوشته ریچارد رورتی و با ترجمه

دیگ هفت جوش ویرایش



ارسلان فصیحی؛ مراقبت از ساختار نحوی زبان

شرق، گروه کتاب: ارسلان فصیحی مدیر تحریریه و سرورپرستار نشر ققنوس است. با او درباره مناقشاتی که بر سر رسم‌الخط و برخی مشکلات مبتلایه زبان فارسی وجود دارد گفت‌وگو کرده‌ایم. ■ چه می‌شود که ناشری تشکیلات ویراستاری راه می‌اندازد؟

دلیل اصلی روآوردن ناشر به ویراستار، احساس رقابتی است که در این سده‌ده میان ناشران پیدا شده. یکی از زمینه‌های این رقابت، انتظار خواننده برای خریداری کتابی با متن پاکیزه و درست و صحیح است. اگر این رقابت در کار نبوده هر متنی با هر شکلی فروش می‌رفت و رقیبی نداشت. بنابراین ویراستاری هم در کار نبود. کمابینه خیلی از ناشران قدیمی که تا ۲۰ سال قبل مطرح بودند، چون این نیاز را احساس نمی‌کردند از قافله عقب ماندند، اما آنها که اهمیت دادند توانستند در بازار رقابت بماندند و فعال باشند.

■ قبول. اما چرا هر کدام در ویرایش ساز خودشان را می‌زنند؟ دلیل این اندازه تشکست که در رسم‌الخط و زبان درست کرده‌اند، چیست؟

احتمالاً چون تعریف درستی از ویراستاری نشده است. اگر تعریف‌شده تشکستی در کار نخواهد بود. نکته این است که فارسی متنی که منتشر می‌شود از لحاظ اصول و قواعد فارسی درست باشد. وظیفه ویراستار این است که نگاردار غلطی به متن راه پیدا کند و آن را تصحیح کند. طبیعی است که اگر ویراستار غلط و درست را نداند تشکست به وجود خواهد آمد. این طور نیست که هر که فکر کند فارسی بلد است می‌تواند ویراستار باشد.

■ جناب فصیحی صحبت من به ویراستار بر نمی‌گردد بلکه می‌گویم چرا تشکیلات ویراستاری هر ناشری، ساز خودش را می‌زند. یکی‌شان می‌گوید تشدید داریم آن یکی می‌گوید تشدید نداریم. یا چه و چه.

این اختلاف‌ها، در صورتی که «غلط‌نویسیم» ابوالحسن نجفی را معیار قرار بدهند به حداقل می‌رسد. نجفی غلط‌های رایج را کلاسه‌بندی کرده. کسانی که کارشان ویراستاری است باید ادعای این کار را دارند. اگر این کتاب را مبنای کار قرار بدهند تشکست‌ها به حداقل می‌رسد. همچنین ویراستار باید با موضوع و سبک اثری که ویرایش می‌کند آشنایی داشته باشد. طبیعی است که ویرایش متن داستانی با متن علمی یا تاریخی فرق می‌کند. یعنی علاوه بر دانش این کار که حداقل‌های آن همان کتاب نجفی است، تجربه نیز لازم است. ویراستار باید کف نفس داشته باشد. باید فکر کند کتاب را برای جامعه آماده می‌کند. فکر کند بچهای یا خانوادش آن را خواهد

خواند، پس نباید آنچه از این کتاب یاد می‌گیرند غلط باشد یا غلط یاد بگیرند. اینکه می‌گویم کف نفس داشته باشد برای این است که باید خود را به نوعی فدا کند، چون کار او به اسم کسی دیگر نوشته می‌شود اما عیبی ندارد.

■ شما خودتان از ویراستاران بنگاه‌های انتشاراتی هستید. در نشر به هر حال صاحب‌نامی مثل ققنوس مسوولیت این کار با شماست. چرا در

آداب و قواعد رسم‌الخط، این اندازه ان قلت و شوری‌دید بین ناشران هست و هر کسی جوزه ویرایشی خودش را دارد؟ یکی‌شان «ی» می‌گذارند آن دیگری «همزه» یکی می‌گوید چنین کنید آن دیگری می‌گوید چنان کنید.

در رسم‌الخط یک‌دستی مهم است. اگر همه رسم‌الخط فرهنگستان را بپذیرند این‌طور مشکلی در کار نخواهد بود. در ضمن این کار او را باید نوشت‌اش می‌گیرد. ما این‌طور در نظر می‌گیریم که همه این اصول ابتدایی را بلدند. مهم همان یک‌دستی است، در جداتوئسی یا پیوسته‌نویسی، ترکیب کلمات و...

■ در الگوی فرهنگستان مشکلی نمی‌بینید؟ البته جوزه هست، شست‌اش پیش فرهنگستان را دیدم. همان وقت هم مشکل اصلی را در علامت جمع «ها» دیده بودم. در آن جوزه علامت «ها» همه‌جا پیوسته بود... ببینید!

روی پیشخوان



مرتضی نوری توسط نشر مرکز منتشر شده. موضوع اصلی این کتاب به ترتیب ذهن معرفت و فلسفه است و رورتی رابطه این سه موضوع را به تصویر کشیده است. «صائب و شاعران طرز

الفبای فارسی هجایی است نه آوانگاره یا فونتیک. برای همین از هزار و ۲۰۰ سال پیش به این‌طرف هر متنی که نوشته شده، خوانده هم شده است. کسی که فارسی یاد می‌گیرد شکل کلمه را حفظ می‌کند نه حرف به حرف. برای همین جداتوئسی یا پیوسته‌نویسی و اینها خیلی مشکلی پیش نمی‌آورد. مهم یک‌دست کردن رسم‌الخط است. کاری که فرهنگستان انجام داده برای همه است. اگر همان را مبنا کنند این به‌هم‌ریختگی که می‌گویید کمتر خواهد شد.

■ درباره ورود واژگان و اصطلاحات زبان‌های دیگر - به خصوص عربی - به فارسی که یکی از مسایل مورد مناقشه ویراستاران است چه می‌گویید؟

زبان از زبان‌های دیگر وام می‌گیرد. گاهی کلمه‌ای که وام گرفته شده است در طول سالیان معنای اصلی‌اش را از دست می‌دهد و معنایی دیگر به خود می‌گیرد. زبانی که تنها به کلمات خودش متکی باشد دیده واژگانش محدود می‌شود. در جنگل‌های آمزون قبایلی هستند که با ۵۰۰ کلمه اموزاشان می‌گذرد. اما برای کشوری که با کشورهای دیگر تبادل فرهنگی دارد، سره‌نویسی و پاک کردن کلمات بیگانه کار درستی نیست. در صورت این موضع‌گیری، کلمات محدود می‌شوند به اعضای بدن انسان و شمارها و طبیعت. نمی‌توانیم به صرف تعصب، واژگان را حذف کنیم یا به کار نبریم.

■ افعالی مانند ساختن و نمودن و می‌باشد که به معنی بودن و کردن و هست به کار می‌رود. از سوی عده‌ای ممنوم قلمداد می‌شود اما حافظ از یک فعل گاهی هشت معنی افاده می‌کند. دکتر کدکنی «می‌باشد» به کار می‌برد. سعدی «می‌باشد» به کار می‌برد. با این همه می‌بینیم شاملو جوری همین را علم عثمان می‌کند و به به آذین می‌تازد گویی به آذین فارسی را بلد نبوده است. دهخدا نیز گفته است گاهی بر یک لغت چهارصد معنی مرتب شده است. آیا بدون در نظر گرفتن بار معنایی یک کلمه می‌توان به کارگیری آن را غلط یا درست دانست؟ آیا مراجه به فرهنگ لغت این مناقشات را برطرف نمی‌کند؟

آنکه فرهنگ‌ها از منابع استخراج می‌کند وظیفه‌ای آگاهی‌رسانی دارد و ضامن این نیست که کلمه سر جایش به کار رفته یا نه... ■ منظور من این نیست، می‌گویم آیا نه اینکه رجوع به معنی لغت در فرهنگی مثل دهخدا برخی از برنشانی‌های ویراستاری را حل می‌کند؟

کافی است به کلمه «نمودن» دقت شود و ببینیم معنایی که از آن افاده می‌کنند «کردن» نیست، دیگر اینکه دهخدا ابزار کلمه است. گاهی لغتی را که پیدا نکرده از فرهنگ معین گرفته است. هر چه کلمه در متون فارسی به کار رفته در آن جمع شده است. فرهنگ معین تمام اصول ابتدایی فرهنگ‌نویسی را رعایت کرده است. ریشه لغات را پیدا کرده و با تلفظ و آوانگاری صحیح، معنای امروزی و کهن آن را آورده است. از این جهت معین بیشتر کمک می‌کند. دیگر اینکه

نمی‌شود کمابیتی عمل کرد و با رجوع به فرهنگ ویراستار شد. ببینید! مردم زبان‌شان صحیح است. کافی است همانی را که حرف می‌زنند بنویسند تا درست باشد. مشکلاتی که در زبان پیدا شده روشنگران و به عبارتی اهل قلم پدید آورده‌اند. همین مردمی که درست صحبت می‌کنند کافی است بخواهند چیزی را که حرف می‌زنند، بنویسند. خب! چون می‌خواهند رسمی‌اش کنند، از جاهایی مثل تلویزیون و اینها تقلید می‌کنند و شروع می‌کنند به غلط نوشتن یا غلط حرف‌زدن.

■ و آخر اینکه آیا رسم‌الخط این اندازه اهمیت دارد که تبدیل شود به جنگ بین ویراستاران؟

رسم‌الخط در چه چهارم و پنجم اهمیت را دارد. ترجمه‌های ضعیف و تحت‌اللفظی برای زبان خطر آفرین هستند باید مراقب ساختار نحوی زبان فارسی بود! اگر این ساختار آسیب ببیند تبعاتی غیر قابل‌پیش‌بینی خواهد داشت.

روی پیشخوان

تازه» بررسی دیدگاه‌های هنری و اندیشه‌های ادبی ۲۰۱ شاعر سبک‌هندی است. مولف کتاب محمدحسن حایری است و ناشر آن نشر نسل آفتاب. نشر نظر نیز کتابی با عنوان «فرهنگ مصور طراحی گرافیک» را روانه بازار کرده است. این کتاب نوشته گوین امیروز - پل هریس است و برگردان آن توسط لادن رضایی انجام گرفته. این کتاب به اصطلاحاتی می‌پردازد که غالباً در طراحی گرافیک به کار می‌روند. می‌توان اصطلاحات رایجی مثل تفران، رنگ، خط کرسی، جنبش‌ها و سبک‌هایی مثل سوررئالیسم، پست‌مدرنیسم، و دیگر مفاهیم و اصطلاحات هنر مدرن و سنتی را در این کتاب خواند. «گره‌های آدم‌خوار» عنوان آخرین کتابی است که از هاروکی موراکامی به فارسی برگردانده شده. این کتاب توسط مهدی غبرایی ترجمه شده و توسط نیکو نشر به روی پیشخوان کتابفروشی‌ها رفته است.

باز کاوی مولفه‌های شرقی در پیدایش رنسانس



دکتر کریم متهدی

استاد فلسفه دانشگاه تهران

■ «لایب نیتس و مفسران فلسفه او» عنوان جدیدترین کتاب من است که از دبب‌هشتمه‌امسال از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر و در نمایشگاه کتاب رونمایی شد. از آنجا که زمان زیادی از انتشار این کتاب نمی‌گذرد، هنوز بحث دقیق و مفصلی روی آن صورت نگرفته است. این کتاب در واقع نوشتاری گزارش‌گونه از فعالیت‌های علمی و فلسفی لایب نیتس آلمانی است که قبل از کانت و هگل می‌زیسته است. به یک معنا می‌توان گفت اصلاً فلسفه‌های عقلی در آلمان با لایب نیتس شروع شد. گرچه پیش از او فلسفه‌های عرفانی وجود داشتند اما فلسفه‌های عقلی در آلمان با او آغاز شد. آرای لایب نیتس را نمی‌شود مثل بقیه فلاسفه به راحتی در یک نظام فکری دقیق و منسجم طرح کرد. حرف‌های او قدری پراکنده‌اند شاید به این دلیل که او هرگز معلم نبوده و در دوره جوانی تنها یک دوره کوتاه، حقوق درس داده است. لایب نیتس یک رجل سیاسی و اجتماعی بوده، در علوم دخالت داشته، حساب جامعه و فاضله را بنیان‌گذاری کرده، رقیب نیوتن بوده، در منطق و ریاضی صاحب‌نظر بوده و برای خودش مکتبی داشته است. اهمیت این کتاب در شرایط فعلی ایران این است که همه ما گرچه به اهمیت علوم و فنون و صنعت واقفیم ولی متوجه نیستیم که برای رسیدن به این علوم جدید و تسلط پیدا کردن به آن، یک سلسله شگردهای فکری لازم است و این همان چیزی است که در لایب نیتس می‌توان سراغ گرفت! اما این ویژگی برای مثال در هگل نیست یا اینکه در مقایسه با لایب نیتس فیلسوف بزرگ‌تری محسوب می‌شود. لایب نیتس در عصر جدید فکر اقلان را با علم و صنعت آسان مقایسه می‌کند، چراکه معتقد است تفکر در بدست‌مان با علوم است که شکل می‌گیرد و باز بر این اساس خود علوم هم استحکام پیدا می‌کنند. از این رو خواندن آرای لایب نیتس مهم است اگر چه از نمانی‌ها نمی‌شود یا او موافق بود ولی با او می‌شود نسبت به تفکر و مسایل عمیق واقعی و علمی و صنعتی یک جامعه بی‌درد و مشکلات را شناخت.

در حال حاضر کار تألیفی دیگری در دست دارم که کاری است بسیار پرمایه و سنگین که اسفندماه سال گذشته آن را شروع کرده‌ام. این کتاب در واقع مربوط به اواخر قرون وسطای غرب و شروع تجدید حیات فرهنگی با توجه به مولفه‌ها و ریشه‌های شرقی است. این کتاب به عبارتی در حوزه موضوعی فلسفه، تاریخ و فرهنگ است و البته بخش‌هایی از آن هم در باره هنر است. این کار هم مثل بقیه کتاب‌هایم مستند است. شاید بتوان‌تان نشود اما من برای هر ۱۵-۱۰ صفحه‌ای که یک فصل کوچک را تشکیل می‌دهد، به منابع فراوانی به زبان فرانسه و انگلیسی مراجعه می‌کنم ضمن اینکه از آرایه‌های درسی خود هم بهره می‌گیرم. همچنین به کمک برخی دوستان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برخی تحقیقات و مقالات جدید به زبان فرانسه و انگلیسی را از طریق اینترنت دنبال می‌کنم و از آنها نیز بهره می‌گیرم. ناشر این کتاب هنوز مشخص نشده اما احتمال دارد پژوهشگاه علوم انسانی آن را منتشر کند. کتاب «فلسفه در آلمان» هم یکی از مهم‌ترین کارهای است که در سال‌های اخیر انجام داده‌ام که این کتاب هم به بالغ بر ۶۰۰ صفحه است. اخیراً توسط پژوهشگاه علوم انسانی تجدید چاپ شده. این کتاب اطلاعات دقیقی راجع به جریان‌های فلسفی در آلمان را به می‌دهد و گرچه یک کتاب درسی نیست، ولی آرزوی شخصی‌ام این بود که دانشجویان این کتاب را به صورت جنبی بخوانند. در این کتاب تقریباً به تمام جریان‌های تاریخی و نهضت‌های ادبی اشاره شده که در بسیاری از این موارد ما به زبان فارسی منابع زیادی نداریم و حتی شاید بعضی از بحث‌های این کتاب برای اولین بار مطرح شده‌اند. برای مثال نام هولدرلین، شاعر آلمانی را همه در ایران شنیده بودند اما در این کتاب رابطه هولدرلین با فلسفه مطرح شده است. این کتاب اطلاعات عینی، درست و بدون ادعایی در اختیار خواننده می‌گذارد و انسان را به فلسفه و تفکر و تأمل تشویق می‌کند.

این سوی آب

خطرات دکتر حسن روحانی

محمود فاضلی



■ جلد اول خطرات دکتر حسن روحانی به فعالیت‌های تبلیغی و انقلابی او در زمان پهلوی تا زمان تسخیر لاهه جاسوسی می‌پردازد. با آغاز نهضت اسلامی در پاییز ۱۳۴۱ نسلی از طلاب علوم دینی وارد عرصه تبلیغ شدند که در سال‌های پرفراز و نشیب پس از حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۴ و به ویژه از سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ در آگاهی دادن به افکار عمومی، بیان حقایق و تحریک و شوراندن مردم برضد نظام سلطنتی، نقشی در خور توجه بر عهده گرفتند. از طرف دیگر در دهه ۱۳۳۰ و به بعد، فضایی روشنفکر حوزه در تلاش برای آشنایی با علوم جدید و دانش‌گاهی و ارتباط با تحولات جهانی برآمدند و شخصیت‌هایی بلندپایه حوزه فضای جدیدی در حوزه‌های علمیه و در میان جوانان متدین و روشنفکر به‌وجود آوردند. این گروه نقش بسیار مؤثری در جذب جوانان کشور به دین و انقلاب داشت.